



اجرای خواندنی شعر معروف شهریار درباره حضرت علی(علیه السلام)

اجرای خواندنی شعر معروف شهریار درباره حضرت علی(علیه السلام)...

اجرای خواندنی شعر معروف شهریار درباره حضرت علی(علیه السلام)
 علي اي همای رحمت تو چه آيتي خدا را که به ماسوا فکندي همه سایه‌ي هما را
 آيت الله العظمی مرعشی نجفی بارها می فرمودند شبی توسلی پیدا کردم تا یکی از اولیای خدا را در خواب ببینم. آن شب
 در عالم خواب دیدم که در زاویه مسجد کوفه نشسته ام و وجود مبارک مولا امیرالمومنین(علیه السلام) با جمعی حضور دارند.
 حضرت فرمودند: شاعران اهل بیت را بیاورید. دیدم چند تن از شاعران عرب را آوردند. فرمودند: شاعران فارسی زبان را نیز
 بیاورید. آن گاه محتشم و جند تن از شاعران فارسی زبان آمدند.
 فرمودند: شهریار ما کجاست؟ شهریار آمد.
 حضرت خطاب به شهریار فرمودند: شعرت را بخوان!
 شهریار این شعر را خواند:
 علي اي همای رحمت تو چه آيتي خدا را
 که به ماسوا فکندي همه سایه‌ي هما را

 دل اگر خدانشناسي همه در رخ علي بين
 به علي شناختم به خدا قسم خدا را

 به خدا که در دو عالم اثر از فنا نماند
 چو علي گرفته باشد سر چشمه‌ي بقا را

 مگر اي سحاب رحمت تو بباري ارنه دوزخ
 به شرار قهر سوزد همه جان ماسوا را

 برو اي گدای مسکين در خانه‌ي علي زن
 که نگين پادشاهي دهد از کرم گدا را

 بجز از علي که گوید به پسر که قاتل من
 چو اسير تست اکنون به اسير کن مدارا

 بجز از علي که آرد پسري ابوالعجائب
 که علم کند به عالم شهداي کربلا را

 چو به دوست عهد بندد ز میان پاکبازان
 چو علي که میتواند که بسر برد وفا را

 نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت
 متحیرم چه نامم شه ملک لافتي را

 بدو چشم خون فشانم هله اي نسیم رحمت
 که ز کوي او غباري به من آز توتیا را

 به امید آن که شاید برسد به خاک پایت
 چه پیامها سپردم همه سوز دل صبا را

 چو تويي قضاي گردان به دعاي مستمندان
 که ز جان ما بگردان ره آفت قضا را

 چه زخم چوناي هر دم ز نوای شوق او دم
 که لسان غیب خوشتر بنوازد این نوا را

 «همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی
 به پیام آشنائي بنوازد و آشنا را»

 ز نوای مرغ یا حق پشنو که در دل شب
 غم دل به دوست گفتن چه خوشست شهریارا
 آيت الله العظمی مرعشی نجفی فرمودند: وقتی شعر شهریار تمام شد از خواب بیدار شدم چون من شهریار را ندیده بودم.
 فردای آن روز پرسیدم که شهریار شاعر کیست؟
 گفتند: شاعری است که در تبریز زندگی می کند.

گفتم: از جانب من او را دعوت کنید که به قم نزد من بیاید.
چند روز بعد شهریار آمد. دیدم همان کسی است که من او را در خواب در حضور حضرت امیر(علیه السلام) دیده ام.
از او پرسیدم: این شعر «علی ای همای رحمت» را کی ساخته ای؟ شهریار با حالت تعجب از من سوال کرد که شما از کجا
خبر دارید که من این شعر را ساخته ام؟ چون من نه این شعر را به کسی داده ام و نه درباره آن با کسی صحبت کرده ام.
مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی به شهریار می فرماید: چند شب قبل من خواب دیدم که در مسجد کوفه هستم و
حضرت امیرالمومنین(علیه السلام) تشریف دارند. حضرت، شاعران اهل بیت را احضار فرمودند: ابتدا شاعران عرب آمدند. سپس
فرمودند: شاعران فارسی زبان را بگویید بیایند. آنها نیز آمدند. بعد فرمودند شهریار ما کجاست؟ شهریار را بیاورید! و شما هم
آمدید. آن گاه حضرت فرمودند: شهریار شعرت را بخوان! و شما شعری که مطلع آن را به یاد دارم خواندند.
شهریار فوق العاده منقلب می شود و می گوید: من فلان شب این شعر را ساخته ام و همان طور که قبلا عرض کردم. تا کنون
کسی را در جریان سرودن این شعر قرار نداده ام.
آیت الله مرعشی نجفی فرمودند: وقتی شهریار تاریخ و ساعت سرودن شعر را گفت، معلوم شد مقارن ساعتی که شهریار
آخرین مصرع شعر خود را تمام کرده، من آن خواب را دیده ام.
ایشان چندین بار به دنبال نقل این خواب فرمودند: یقیناً در سرودن این غزل، به شهریار الهام شده که توانسته است چنین
غزلی به این مضامین عالی بسراید. البته خودش هم از فرزندان فاطمه زهرا(سلام الله علیها) است و خوشا به حال شهریار
که مورد توجه و عنایت جدش قرار گرفته است.